

بررسی مفاهیم اقتصادی در فرهنگ عامه

محمد رنوف مرادی^۱

چکیده

گسترده‌ی قلمرو و درازای پیشینه تاریخی فرهنگ عامه در ایران باعث شده این فرهنگ نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی - اقتصادی و اندیشه جمعی و انسجام و تعمیم معیارهای رفتاری مردم از جمله رفتارهای اقتصادی (تولید، مبادله و مصرف) و همچنین ارائه راهکار به مردم در مقابله با دشواری‌ها و مشکلات و مصائب اجتماعی و اقتصادی بر عهده داشته باشد. در این پژوهش مفاهیم اقتصادی که بارزترین جلوه‌ی آن کار و عناصر وابسته به آن مانند مثل‌ها، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار است در دو قالب بومی / ناحیه‌ای و عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. نگاه عمیق‌تر به عناصر فرهنگ عامه تصویر مناسبی از چگونگی نگاه ایرانیان در طول تاریخ به فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های اقتصادی، رفتارهای اقتصادی، هویت گروهی، قالب‌های

بومی و قومیتی

۱. پژوهشگر ارشد واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما

مقدمه

مفاهیم اقتصادی در قالب تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالا، مفاهیمی نیستند که بتوان منشأ پیدایش آنها را در تاریخ بشر به دقت استخراج نمود. علم اقتصاد در جهت ایجاد چارچوب یا سازماندهی این مفاهیم، نخست توسط اندیشه‌های آدام اسمیت و در کتاب معروف وی به نام **ثروت ملل** در سال ۱۷۷۶ میلادی به دنیای علم معرفی شد و به عنوان علم اقتصاد پایه‌گذاری گردید، البته قرن‌ها پیش از آدام اسمیت فلاسفه‌ای چون افلاطون و ارسطو نظریاتی در باب موضوعات اقتصادی به صورت جسته و گریخته مطرح نموده بودند.

نگاه صحیح به مؤلفه‌های اقتصادی چه در سطح خرد (عرضه، تقاضا، رفتار مصرف‌کننده و...) و چه در سطح کلان (درآمد ملی، سیاست‌های پولی و مالی، تورم و...) برداشت صحیح از بستر و ظرف رویداد این مؤلفه‌ها که همان اجتماع است را می‌طلبد. جامعه و رفتارهای اجتماعی خصوصاً فرهنگ به عنوان مفهومی پویا، موروث تحولاتی است که پیشینیان آن جامعه ناظر، شاهد و عامل آن بوده‌اند.

چنانچه بخواهیم سیاست‌های اقتصادی را تدوین کنیم و برنامه‌های اقتصادی را در قالب کوتاه مدت یا بلند مدت تدوین و اجرا نماییم، نادیده گرفتن فرهنگ و عناصر فرهنگی از احتمال موفقیت آن برنامه خواهد کاست؛ به عنوان مثال، تغییرات اقتصادی مبتنی بر برنامه‌های بلند مدت در قالب فرهنگ‌هایی که دید کوتاه مدت، نگرش غالب آن است، امری بس دشوار و پرچالش است. با شناخت بهتر فرهنگ و اجزای تشکیل دهنده آن می‌توان تصویر بهتر و دقیق‌تری را از آنچه که در اقتصاد و کسب و کار به دنبال آنیم بدست آوریم؛ فولکلور یا فرهنگ مردم به عنوان تاریخچه فرهنگی یک جامعه، کلیدهای ارزنده‌ای را از تغییر و تحولات فرهنگی و نگاه جامعه در طول تاریخ تاکنون و در زمینه مفاهیم مختلفی همچون کار و تلاش، هنر، علم‌اندوزی و دانش، ثروت، صلح‌طلبی، معنویت، امید به آینده، زندگی دنیوی و ... ارائه می‌کند.

در موضوع فرهنگ مردم و تأثیر مفاهیم و مؤلفه‌های وابسته به اقتصاد به طور اخص ابتدا بایستی جلوه‌های تعریف شده از کار و عناصر وابسته به آن را در فرهنگ توده

بررسی نمود؛ سیر حرکت از جوامع بدوی به سوی جوامع ساختاریافته‌تر (روستاها به عنوان بارزترین نمونه از اجتماع کوچک ساختاریافته) تحولات اقتصادی و اجتماعی متفاوتی را در طول تاریخ ایران ایجاد کرده است. هجوم یونانیان و متأثر ساختن جامعه مبتنی بر کشاورزی ایران باستان توسط مفاهیمی چون مبادله و دادوستد، ساختار جامعه طبقاتی در زمان ساسانیان، حکمرانی امرای اسلامی و جاری شدن شریعت در بسیاری از روندهای اجتماعی - اقتصادی، حکومت ایلخانان مغول با اقتصادی متکی بر دامپروری، ساختارهای ملوک‌الطوایفی حاکم بر ایران در طول قرن‌های متمادی و تغییر و تحولات ناشی از نگرش‌های وارداتی، به‌خصوص در اواخر دوره قاجاریه، همگی به نوبه‌ی خود در نحوه کسب و کار و معیشت ایرانیان در طول اعصار و قرون مؤثر بوده و به گونه‌ای طبیعی مفاهیم مربوط به کسب و کار و امرار معاش را تغییر داده است.

فولکلور یا فرهنگ مردم به عنوان روش‌های فرهنگی مشترک و رایج بین گروهی شناخته شده است و این هویت گروهی^۱ از طریق سن، جنس، اخلاق، کار و پیشه، مذهب، منطقه‌ی جغرافیایی و به طور کلی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و موارد مشابه تعیین می‌شود به طوری که در مردم‌شناسی، مطالعه فرهنگ عامه یکی از بخش‌های مهم در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی به شمار می‌رود. اخیراً شاخه‌ای از مردم‌شناسی به نام انسان‌شناسی اقتصادی^۲ ایجاد شده که به پدیده‌هایی که معمولاً پدیده‌های اقتصادی نامیده می‌شوند، می‌پردازد.

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و اسنادی است.

چشم‌انداز فرهنگ عامه در ایران

تاریخ کهن و هزاران ساله ایران شاهد تضارب و تعامل فرهنگ‌ها و آرای مختلف بوده و این رفت و آمد اقوام و به تبع آن آمیزش افکار، سنت‌های متفاوت و گاه

1. group identity

2. anthropology economic

متضادی را به وجود آورده است. با تعریف و مطالعه عمیق شاخص‌های دانش فرهنگ عامه شاید بتوان سیر تحولات تاریخی را از منظری متفاوت نگریست. فرهنگ عامه برخلاف مکتوبات تاریخی که احتمال تحریف و جابه‌جایی در آنها وجود داشته است به عنوان جریان سیال که در سطح توده اجتماع برجای مانده است، می‌تواند نشانه‌های بکر و جدیدی را در لایه‌های تاریخی این مرز و بوم به همراه داشته باشد. فولکلور به عنوان بخش‌هایی از فرهنگ که ماندگار شده است، با حکایت‌های شفاهی (قصه‌های عامیانه)، افسانه‌ها، ترانه‌های عامیانه و موسیقی و پایکوبی‌ها بیان می‌شود. چنانچه موضوع فولکلور را پرداختن به سنت‌هایی بدانیم که فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهند، سه نوع سنت را می‌توان بر شمرد و تعریف کرد:



الف) سنت‌های مادی

مجموعه آثار، اشیاء، کالاها و بناهایی که از گذشته برجای مانده است.

ب) سنت‌های رفتاری

مجموعه رفتارهایی که در جامعه میان عده زیادی از افراد جامعه مشترک است و نوعی فشار اجتماعی برای اجرا و عمل کردن به آن وجود دارد. (از جمله سنت‌های رفتاری می‌توان به «عرف» اشاره کرد)

پ) سنت‌های گفتاری

مجموعه سنت‌هایی است که در قالب کلمات و جملات اظهار می‌شود. (ادبیات عامیانه)

ریشه و اصل سنت‌های عامیانه را در ایران می‌توان به دو قسمت عمده تقسیم نمود:
۱- افکار و اعتقادات بومی که در نتیجه آزمایش روزانه، خانوادگی، مذهبی و انفرادی از جمله یادگارهای پیشین نژاد هند و ایرانی هستند و در این سرزمین جا مانده‌اند.

۲- اعتقادات و سنت‌هایی که از اقوام و ملل دیگر مانند یونانیان، رومیان و اعراب وارد ایران گردیده‌اند.

بی‌آنکه در صدد نقد هر یک از موارد یاد شده به‌خصوص سنت‌های وارد شده از سایر اقوام باشیم باید اذعان کرد که چنین طیف گسترده و ریشه‌داری از مؤلفه‌های درونی و بیرونی، گنجینه‌ای از افکار و سنن گوناگون را به عنوان فرهنگ پس از اسلام، موجب گردیده است. به گونه‌ای که در طول قرن‌ها و بسته به مدت، قدرت، قلمرو، نفوذ و اصالت فرهنگی هر یک از اقوام حاکم، تاریخ فرهنگی ایران برگی جدید از سنن، آداب و رسوم را برای خود به رشته تحریر در آورد و این تنوع کم نظیر مطالعه مربوط به فرهنگ مردم عموماً و فرهنگ عامه خصوصاً را جذاب و در عین حال دشوار

کرده است.



رتال جامع علوم انسانی

عوامل مرتبط با مؤلفه‌های اقتصادی در فرهنگ عامه

علاوه بر عوامل گفته شده در مقدمه، شرایط آب و هوایی اقلیمی و ژئوپولیتیک هر یک از نواحی ایران نیز بر شکل‌گیری فرهنگ عامه کار و فعالیت‌های اقتصادی تأثیر به‌سزایی داشته است؛ زندگی در نواحی گرم و خشک کویرهای مرکزی ایران، فرهنگی متکی بر صرفه‌جویی و استفاده‌ی بهینه از منابع لازم برای فعالیت‌های کشاورزی و

دامپروری را شکل داده است یا معماری منحصر به فردی که متناسب با اقتضات جوی تکامل یافته است. روش‌های بهره‌جویی از آب‌های زمینی که مصداق آن وجود قنات‌های مناطق کویری است از همین موارد است. مشابه این امر را می‌توان در سایر مناطق ایران هم مشاهده کرد؛ اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، جنگلداری، دامداری و صید و ماهیگیری در شمال ایران، کشاورزی (دیم و آبی) و دامپروری در غرب کشور، کشاورزی، دامپروری، زنبورداری در شمال غرب کشور، صید و ماهیگیری در جنوب و همچنین اقتصاد مبتنی بر مبادله و دادوستد در شهرهایی که در مقاطعی از تاریخ پایتخت ایران بوده‌اند از جمله مواردی هستند که تأثیرات آب و هوایی و نیز سیاسی - جغرافیایی را بر شکل‌گیری روندهای نحوه معیشت و کسب و کار، تأیید می‌نماید.

در این زمینه استاد سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در کتاب **گذری و نظری در فرهنگ مردم** مراتب مختلفی را بر عناصر مربوط به کار و وسایل معیشت مردم برشمرده است:

کار در روستا

الف) خوراک و نیازمندی‌های گوناگون

- ۱- کشاورزی شامل شخم‌زنی، کرت‌بندی، کشت، غلات، حبوبات، سبزیجات و غیره، وسایل مربوط به کشاورزی، طرز نگهداری زمین و محصولات کشاورزی، آفات و نباتات، طرز برداشت محصول، مسایل مربوط به کارگر و حق مزد، عقاید و جشن‌ها و مراسم هنگام کشت یا برداشت محصولات کشاورزی.
- ۲- باغداری، پرورش میوه شامل: قلم‌زنی، پیوند زدن، بارور نمودن درخت‌ها، ترانه‌هایی که هنگام میوه‌چینی می‌خوانند، هدف از کاشت درخت (بهره‌برداری از میوه یا چوب آن).
- ۳- گل‌کاری و پرورش گل
- ۴- آب و آبیاری شامل: طرز تقسیم آب، آب و هوا، ترانه‌ها و مثل‌هایی که در مورد

- آب وجود دارد، قنات، چشمه و چاه.
- ۵- دامداری شامل: پرورش دام، احشام و طیور، شیرده بودن یا گوشتی بودن حیوان، چوپان و چوپانی، پشم چینی و مراسم آن، مشک زنی و وسایل آن، پرورش طیور، زنبور عسل و کرم ابریشم.
- ۶- عصاره و آسیابانی
- ۷- سرکه اندازی
- ۸- صید و شکار

ب) تهیه لباس

شامل: پشم ریزی، نساجی، نوع دستگاه‌های مورد استفاده و اجزای آنها

پ) وسایل خانه

شامل: هیزم شکنی، درودگری، چلنگری، آهنگری و اسباب و وسایل مرتبط با هر یک از آنها

ت) مبادله و تجارت کوچک

شامل: برگزاری بازارهای مختلف مقطعی (دوشنبه بازار، پنجشنبه بازار و ...)
بازارهای دائمی، بساطها، یوغ، خیش، بیل، کلنگ و غیره

ث) شغل‌ها و طبقات مخصوص

شامل: کدخدا، حمامی، سلمانی، چوپانی و ...

ج) صنایع دستی

قالی بافی و جاجیم بافی، سوزن دوزی، مُنجوق دوزی، ملیله دوزی، رنگرزی سنتی، حلاجی، حصیر و سبد بافی و...

کار در شهر

الف) کارگران

ساختمان، صنایع، صنایع دستی و کوچک

ب) کارمندان

دولتی و خصوصی

پ) پیشه‌وران

خرده‌فروشی، دست‌فروشی، عطاری، درودگری، خیاطی، دلاکی، سمساری و غیره

ت) مشاغل کوچک و طبقات مخصوص

شامل: دلالی، پرده‌خوانی، قلندری و درویشی، مرده‌شوری و ...

تفریح و آسایش

اماکن تفریحی و انواع سرگرمی: مهمان‌سرا، کاروانسراها، قهوه‌خانه‌ها به عنوان پاتوق گفتگو و جریانات مرسوم در این مکان (شاهنامه‌خوانی، نقالی و پرده‌خوانی، جنگ انداختن خروس و...)

قصه، افسانه، ترانه، ضرب‌المثل، نمایش‌های محلی، باورها، چیستان و بازی‌های

محلی که منظوم از منابعی هستند که می‌توان برای شناسایی و تحلیل فرهنگ مردم یک ناحیه (به طور اخص فرهنگ عامه مرتبط با فعالیت اقتصادی و کسب و کار) مورد توجه قرار داد و بهره جست. با توجه به محدود بودن تلاش‌های صورت گرفته در این راستا و نیز جوان بودن عمر مطالعات فرهنگ مردم در ایران (در مقایسه با عمر فرهنگ و باورهای مردم)، کار تحقیق در این زمینه پر از چالش به نظر می‌رسد که البته اندیشیدن به نتیجه کار که همانا مکتوب نمودن باورهای سرزمین کهن و در مراتب عمیق‌تر تحلیل آنهاست، لذتی فراوان نصیب محققان این جولانگاه می‌کند.



در ادامه، عناصر فرهنگ عامه (ترانه‌ها، قصه، متل، ضرب‌المثل و ...) را که مفاهیمی چون کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی در خود گنجانده است را در دو قالب عمومی و بومی - قومی مطرح می‌نمائیم. قالب عمومی آنهایی است که توافق بر سر وابستگی آنها بر منطقه یا خرده فرهنگ خاص وجود ندارد و قالب بومی آنهایی است که مربوط به یک قوم خاص یا ناحیه مشخص است.

۱- قالب‌های بومی (نمونه‌ها)

ترکمن صحرا از جمله ژانرهای فرهنگ عامه که با کار و فعالیت اقتصادی در ارتباط است. می‌توان به «هولوم» که در زمان دوشیدن شیرگاو یا شتر توسط زنان اجرا می‌شود و «دگیرمن چی» که در جریان کار با آسیاب دستی خوانده می‌شود، اشاره نمود. ترکمن‌ها امور مربوط به زراعت و کشت را به پیری به نام «بابا دیخان» نسبت می‌دهند. می‌توان گفت که این موضوع در میان تمام اقوام آسیای میانه مشترک است: ازبک‌ها آن را «بابا دهقان»، قرقیزها «بابا دیکان» و قزاق‌ها «دیکان بابا» یا «دیکان آتا» و تاجیک‌ها «بویوی دهقون» می‌خوانند. این شخصیت اسطوره‌ای بوده و قدمت آن به پیش از اسلام می‌رسد.

خراسان یکی از جشن‌های کار در «خواف»، جشن برداشت گندم بود که به گفته محلی‌ها، در هنگام درو، دهل زنان می‌آمدند و دروگرها مشغول درو کردن می‌شدند، صدای سرنا و دهل بلند می‌شد و گندم درو می‌شد. گاهی این افراد به وجد می‌آمدند و شروع به رقص محلی می‌کردند. فردی به نام «بشکن، بشکن» می‌آمد؛ در حالی که کلاهی بر سر داشت که دم روباهی به آن چسبیده بود، دایره‌ای در دست داشت و می‌خواند: بشکن - بشکن - بشکن. پس از درو کردن گندم، صاحبان زمین و محصول، پشته‌ای از گندم را به نوازندگان می‌دادند و بدین ترتیب مراسم جشن درو پایان می‌یافت. پس از کوبیدن و جمع‌آوری خرمن، گندم‌های جمع‌آوری شده به دو قسمت تقسیم می‌شد که به هر بخش «آبز» می‌گفتند، سهم بیشتر از آن صاحب ملک و بخش کوچک به عنوان «حق‌الله» به فقیران و نیازمندان داده می‌شد.

در «طبس» کاشت گیاهانی مانند آفتاب‌گردان، نیلوفر، لوبیا، کدو، خربزه و تمامی گیاهانی که گل آنها به رنگ زرد باشد را خوب نمی‌دانند. در «نیشابور» هنگام برداشت محصول، صاحب زمین برای از بین بردن چشم زخم گوسفندی را کشته و بین فقرا تقسیم می‌کند. در نیشابور، هرگاه در میان محصول پنبه، بادمجان، خیار، گوجه و میوه‌های سر درختی یافت شود که دوقولو یا سه قولو به هم چسبیده‌اند و در محل چسبیدن چند برگ سبز دیده می‌شود می‌گویند (حج خضری) یعنی خواجه خضر به مزرعه نظر کرده و برکت دارد و مقداری مزد برای کسی که آن محصول چند قلو را دیده در نظر می‌گیرند.

کردستان خواندن ترانه‌های کار در این منطقه از قدمت دیرین برخوردار است. در اکثر مناطق ایران ترانه‌هایی هنگام کاشت و برداشت محصول کشاورزی توسط کارگران خوانده می‌شود که این ترانه‌ها از آرزوی انسانها، زندگی و آینده، شادی‌ها و رنج‌ها، امید و تلاش سخن می‌گویند، نمونه‌ای از این ترانه‌ها در هنگام مشک‌زنی خوانده می‌شود:

hay mali bâb-em maška	هی مالی بابم مشکه
mašk-em mašk- i mānga:-ya	مشکم مشکمی مانگایه
di žen-i o ra:na-ya	دی ژنی اُرنا یه
va ku pa: avân-i-ya	وه کو پ - کوانی یه
hay mali bâb-em maška	هی مالی بابم مشکه
ô ro ru ba baha:ra	اُرو روبه - به‌هاره
mašk-em ro:ni babâra	مشکم رونی به باره

یعنی:

خانه پدری ام مشک است
 مشک من مشک ماده گاو است
 آن را به هم می‌زند آن زن رعنا (بلند قامت)
 به مانند پهلوانی می‌ماند
 خانه پدری ام مشک است
 بنگر امروز بهار است
 و بار مشک من روغن است
 وه که زیبا و پُر بار است

در بخشی از نقاط کردنشین لالایی‌هایی با مضمون‌های خاص برای فرزندان خوانده می‌شود تا کودک از درون گهواره برای جدال با زندگی آماده شود. از آنجا که انسان روستایی وابسته به زمین است و زمین پشتوانه عظیم مادی و اقتصادی او محسوب

می‌شود که با نیروی کار انسانی می‌توان از آن بهره گرفت. این نیروی کار در خانواده در واژه گر^۱ یا پسر خلاصه می‌شود.

ترانه‌های محلی و اشعار مذهبی بخش مهمی از فولکلور کردی است و در ترانه‌های بومی و سنتی تجلی می‌یابد و مانند داستانهای غنایی ریشه در فرهنگ این قوم دارد. سابقه تاریخی ترانه‌های کردی به نخستین روزهای زندگی اجتماعی و تولیدی در چارچوب نظام شبانی و دامداری و دوره‌ی میترائیسیم باز می‌گردد. ترانه‌های مذهبی بر کار و کشاورزی مقدم بوده است از این رو دو مقام مشهور موسیقی کردی یعنی «حیران» و «لاووک» به دوره‌های قبل از اسلام نسبت داده می‌شود.

در «قروه» زمانی که گندم‌ها رشد خوبی دارند و دور هم می‌پیچند، اگر دروگر به گندم‌های به هم پیچیده برخورد کند به شرط اینکه چند سنبله آن رو به قبله باشد (به زبان محلی به آن کُل می‌گویند) حتماً یک رأس بزغاله یا یک خروس دور این کُل می‌گرداند و سپس آنرا ذبح می‌کند. پس از ذبح آن را در صحرا طبخ و کارگران را اطعام می‌کند. همچنین کشاورزان هر کدام سعی می‌کنند درو خود را زودتر از بقیه تمام کنند تا «کرداس» نشوند زیرا معتقدند هستند کرداس‌ها در طول سال ضرر جانی می‌بینند (مرگ افراد خانواده یا حیوانات اهلی).

گیلان کشاورزان و شالیکاران، صبح زود و آفتاب نزده به مزرعه می‌روند، آنها معتقدند دیدن حیوانات برای آنها خوبی و بدی به همراه دارد؛ مثلاً دیدن شغال و روباه و به طور کلی حیوانات وحشی خوب است ولی دیدن گربه و سگ شگون ندارد و بد است. همچنین زنان و مردان کشاورز معتقدند که اگر یکی از همسایگان کارش را تمام کند اما دیگری هنوز کار داشته باشد نباید همان ساعت که کار را تمام کرده به دیگری که مشغول انجام کار است «خدا قوت» بگوید، زیرا اعتقاد دارند که کارش به طول می‌انجامد. در «آستارا» هنگام عید قربان، خون گوسفند قربانی را نگه می‌دارند تا در موقع وجین بیجار در اولین سرچشمه جاری کنند تا برکت بیاید و برنج فراوان تولید شود.

تهران در «جاجرود» برای شکرگزاری و برکت زراعت، گوسفندی را قربانی می‌کنند. باغداران جولقان مینودج هنگامی که برای اولین بار برای کندن باغ از خانه خارج می‌شوند، ستاره نحس را که به ستاره ظهیل معروف است از در خانه خود خارج می‌کنند. ستاره‌ی ظهیل ستاره‌ای است که از نظر آنها هر ده روز دور زمین می‌چرخد و وقتی باغدار از منجم سؤال می‌کند و محل ستاره را در آن روز که عازم کندن باغ است می‌پرسد اگر ستاره روبروی در منزل او نباشد کار را شروع می‌کند. در همین جولقان صاحب باغ از کارگران می‌پرسد که دست کدام یک سبک است زیرا معتقدند که کسی که دستش سبک است دلش هم پاک است و او اولین بیل را در باغ برای شروع کار می‌زند و معتقدند برکت زیادی به همراه خواهد آورد.

در «فَشَنَد» کرج، هنگامی که پرنده‌گانی از قبیل بلدرچین یا وشم (در اصطلاح فشندی بدبده) در سنبله‌های به هم پیچیده گندم‌ها لانه کنند و تخم بگذارند و بچه‌دار شوند، موجب خیر و برکت و آمد صاحب مزرعه است و هنگام چیدن گندم‌ها از سایرین دعوت می‌کند و گوسفند قربانی می‌کند و آن را با دعا و صلوات پخته و بین حاضرین تقسیم می‌کند.

اصفهان در «سمیرم علیا»، درو گندم هر کس به آخر بیافتد (دیرتر از همه درو کند) می‌گویند بُرآن روی آن شخص افتاده است و برای رفع بُرآن باید یک گوسفند جهت رفع قضا و بلا ذبح کند و گوشت آن را بین سایرین تقسیم کند. همچنین اگر گندم کسی خوب رشد کند به طوری که چند خوشه گندم بلندتر باشد و به دور هم بپیچند می‌گویند «خروسک» است و آن خوشه‌ها را تا آخر درو نمی‌چینند و در پایان درو خروسی را سر بریده و خون آن را بر روی آن چند خوشه می‌ریزند. سپس آن خوشه‌ها را می‌چینند زیرا عقیده دارند هر گندمی که خروسک دارد، شیر صاحبش را می‌خورد یعنی صاحبش می‌میرد و با ریختن خون خروس بر روی آن خطر رفع می‌شود. گوشت خروس را هم دروگران می‌خورند و برای سلامتی صاحب گندم دعا می‌کنند و صلوات می‌فرستند تا رفع بلا شود.

در دهات «میمه اصفهان» هم چنین رسمی وجود دارد که به گندمهایی که بلندتر از گندمهای دیگر است و دانه‌های درشت‌تری دارد در اصطلاح کاکله^۱ می‌گویند و اگر در مزرعه‌ای چند کاکله پهلوی هم باشند گویی آنها را با نخ به هم بسته‌اند. رسم بر این است که صاحب آن زمین باید گوسفندی را نذر کند و گوشت آنرا بین مردم تقسیم کند و گندم‌های اطراف کاکله را تا دو یا سه متر مربع به شکل دایره چیده به فقرا دهد تا از شر کاکله خلاص شوند. زیرا مردم وجود کاکله را نشانه ضرر و بد شگونی می‌دانند. مردم روستاهای «فریدن» برای آب قنات‌هایی که هر چند سال یک‌بار می‌خشکد گوسفند قربانی می‌کنند و معتقدند آب قنات دوباره جاری می‌شود. سر این گوسفند حتماً باید توسط یک نفر سید بریده شود.

فارس در «آباد» اگر درو گندم یکی از زارعین دیرتر از همه تمام شود، می‌گویند «دُمب گوی^۲» شده و معتقدند هر کس دُمب‌گوی شود، زنش یا خودش یا یکی از بچه‌هایش می‌میرد. در ده بالا آباد، هر کس در آخرین روز گندم زمین خود را درو کند تکه کوچکی از گندم‌ها را درو نمی‌کند و این نشانه دُمب‌گوی است، کسی که دُمب‌گوی بر او بیفتد همیشه از دیگران بیشتر دُمب‌گوی می‌گذارد و این کار برای رفع قضا و بلا است. معمولاً دُمب‌گوی را یا به گدا می‌دهند یا به بیوه زنان یا این که این خوشه‌ها در مزرعه می‌ماند و نصیب پرندگان می‌شود. در «اقلید» هم همین رسم وجود دارد.

در «گرخوان» فارس وقتی کشاورزان از درو گندم خود خلاص می‌شوند به کمک دیگران می‌روند و هر ساعتی که یک قطعه را درو کردند صلوات بلندی می‌فرستند. در «گویم» فارس، کاشت درخت گردو را خوش یمن نمی‌دانند و اعتقاد دارند منجر به مرگ یکی از اعضای خانواده می‌شود. مردم «مبارکه بیضا» معتقدند بذرافشانی باید در ساعت و روز خوب صورت گیرد (دوشنبه و چهارشنبه و نیز روزهای ۳ و ۵ و ۸ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵ را بد می‌دانند) در یکی از روستاهای «ممسنی» (شیراس پاری)

1. kakola

2. domb-e gavi

کشاورزانی که توانایی خوابیدن در کشتزارهای صیفی خود را ندارند و نمی‌توانند نگهداری دهند سه‌الی شش‌سنگ که هر یک دو‌الی سه‌کیلو وزن دارند را روی هم می‌گذارند و به نام گره^۱ حضرت عباس (ع) (یعنی سنگ معجزه حضرت ابوالفضل (ع)) می‌خوانند و رهگذاران یا دزدان با دیدن این سنگها از رفتن به داخل لته^۲ (جالینز) خودداری می‌کنند تا به غضب حضرت گرفتار نشوند. در مورد درخت خرما در «کازرون» مثلها و عقاید زیادی وجود دارد که ناشی از احترام مردم به این درخت است از جمله:

۱- اقدام به کاشت درخت خرما

۲- گناه دانستن سوزاندن و قطع درخت خرما

۳- نریختن آب تنباکوی شسته شده، آب صابون، آب کثیف و آب نمک در پای

درخت خرما

در «کنارهٔ مرودشت» مثلی است که می‌گویند: میزون بکار، قوس بدار و عقرب بده

دست پروردگار

mizun bekâr, qôs bedâr, agrab- bede daste parvardegâr

معنی آن این است که در میزان یعنی در آبان ماه بکار و در قوس یعنی اواخر پائیز و

اوایل زمستان از آن مواظبت کن و آنرا به خدا بسپار (عقرب بده دست پروردگار).

خوزستان در بهبهان کاشتن درخت خرما را در منازل یکی از فرمایشات حضرت

محمد(ص) پیامبر گرامی اسلام می‌دانند و معتقدند آن حضرت در نگهداری سه چیز

توصیه کرده است: پیش^۳ و میش^۴ و خیش^۵.

در «دزفول» وقتی داس‌های دو نفر دروگر هنگام درو به هم بخورد؛ پشت

1. karre

2. lata

۳. برگ درخت نخل

۴. گوسفند ماده

۵. گاواهن

داس‌هایشان را سه مرتبه به زمین می‌زنند. آنان عقیده دارند که اگر پشت داس‌هایشان را به زمین نزنند دل درد می‌گیرند. همچنین اگر زراعت گندم خوب ثمر دهد به طوری که خوشه‌های گندم به هم پیچند می‌گویند فلانی گندمش کولا^۱ زده است و اگر صاحب گندم نذری ندهد صاحب گندم ممکن است خدای ناکرده بمیرد. یک مرغ یا گوسفند را دور کولا می‌چرخانند و بعد آن را ذبح می‌کنند و گوشت آنرا بین کارگران و مردم تقسیم می‌کنند.

۲- قالب‌های عمومی

علی اکبر دهخدا (امثال و حکم):
آدم پول پیدا می‌کند پول آدم را پیدا نمی‌کند
آدم به کیسه‌اش نگاه می‌کند
آدم زنده نان می‌خواهد یا آدم زنده زندگی می‌خواهد
آدم هزار پیشه کم مایه است
هیچ گرانی بی حکمت نیست و هیچ ارزانی بی علت
بجز از کشته ندروی
پولش از پارو بالا می‌رود
آنچه نخوری یخنی (پس انداز می‌کنی)
از تو حرکت از خدا برکت
بیگاری به که بیکاری - کوشش بی‌هده به زخفتگی
از ضرر هر چه برگردد نفع است
اگر کاری کنی مزدی ستانی
چو بیکاری یقین بی مزد مانی
(ناصر خسرو)

همه کاره و هیچ کاره

مگر آب آورده است (پرهیز از اسراف)
مگر پول را از کاغذ می‌برند (پرهیز از اسراف)
مگر خاک چشم او را پر کند (آز و طمع)
مور گرد آورد به تابستان
باد آورده را باد می‌برد
هر که در کارها جور بود
هنگام زمستان سخت بی‌برگ فرو ماند
کار آسان گر نیابی چنگ در دشوار زن
کار استاد را نشان دگر است
کار امروز به فردا می‌فکن
کار به کاردان سپارید
کار بی علم بار و بر ندهد
کار دنیا تمامی ندارد
کار را که کرد آنکه تمام کرد
کار قلم را شمشیر نمی‌کند
کار کارفرما می‌خواهد
کاری که چشم می‌کند، ابرو نمی‌کند
ز کوشندگی مرد را ارزش است (ادیب نیشابوری)
کوشندگی مایه بخشش است
به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید
صادق هدایت:
- بانگ زدن زیاد گنجشک بر درختان علامت باران است
- صبح زود که از خانه بیرون می‌آیند اگر ظرف خالی دست کسی ببینند بد است
- غروب که سر چاه یا قنات بروند بی وقت می‌شوند (آبی که تنگ غروب بکشند ناخوش است)
- مرغ و ماکیان که درخانه باشند خوب است چون هرگاه قضا و بلا متوجه یک نفر از اهل
خانه بشود به جان آنها می‌خورد و باید آنها را سیر نگه داشت
- شکر نعمت افزون کند کفر نعمت از کف دست بیرون کند

نتیجه گیری

از دیرباز، فرهنگ عامه در ایران همواره الگو و نمونه‌ای متناسب با نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و نهادهای حاکم بر این نظام‌ها بوده است. گستردگی قلمرو و درازای پیشینه تاریخی فرهنگ عامه در ایران باعث شده این فرهنگ نقش مهمی در تنظیم روابط اجتماعی - اقتصادی و اندیشه جمعی و انسجام و تعمیم معیارهای رفتاری مردم از جمله رفتارهای اقتصادی (تولید، مبادله و مصرف) و همچنین ارائه راهکار به مردم در مقابله با دشواری‌ها و مشکلات و مصائب اجتماعی و اقتصادی به عهده داشته باشد. می‌توان به این موضوع از زاویه دیگری نیز نگریست. تحولات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی تأثیرات عمیقی بر باورها، سنت‌ها و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ مردم در اعصار مختلف داشته است. همانندی در اغلب زیر مجموعه‌های فرهنگ عامه در ایران از قبیل باورهای سنتی - قومی و دین، هنرها، ادبیات، صنایع و فنون، آئین‌ها، نمایش‌ها و غیره، شاید به سبب یگانگی و مشابهت در شیوه تولید اقتصادی یا به سبب پیوندها و ارتباطاتی باشد که مردم از راه معامله و بده بستان‌های طایفگی و قومی و وجود نظام اجتماعی - سیاسی و همچنین مبادلات فرهنگی که در بین خود داشته‌اند، بوده و هست. پژوهش پیش‌رو، قدمی هر چند کوچک در جهت نگاهی جدید از منظر فعالیت‌های اقتصادی کسب و کار به فولکلور و فرهنگ عامه مردم ایران بود. سعی شد با ارائه مثال‌های مختلف از کاربرد مفاهیم مرتبط با اینگونه فعالیت‌های اقتصادی، تصویری روشن‌تر از آنچه که می‌توان آن را اندیشه و یا نگاه اقتصادی فولکلور نامید ارائه شود. فرهنگ فولکلور ایران مملو از فاکتورهای مثبتی است که تبیین، تشخیص و تکیه بر آنها می‌تواند تأثیرات بسیاری بر تلاش برنامه‌ریزان اقتصادی - اجتماعی چه از دید کلان و چه خرد داشته باشد.

تأکید بسیار بر آینده‌نگری (مانند: مورد گردآورد به تابستان تا فراغت بود زمستانش - هنگام زمستان سخت بی برگ فرو ماند، هر کو نهد توشه در موسم تابستان و...) پرهیز از اسراف و تأکید بر صرفه‌جویی و قناعت (مانند: مگر خاک چشم او را پر کند، مگر پول را از کاغذ می‌برند، مگر آب آورده است، آدم به کیسه‌اش نگاه می‌کند) تأکید بر تخصص‌گرایی (آدم هزار پیشه کم مایه است، همه کاره و هیچ کاره، کار را به

کردان سپردن)، خدا محوری در فعالیت‌های اقتصادی (از تو حرکت از خدا برکت) پرهیز از کاهلی و سُستی (بیگاری به که بیکاری، کوشش بیهده به زخفتگی، نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود، کوشندگی مایه بخشش است، ز کوشندگی مرد را ارزش است، اگر کاری کنی مزدی ستانی، چو بیکاری یقین بی‌مزد مانی) رفاه اجتماعی (دادن سهمی از محصول به عنوان حق‌الله یا گوسفند قربانی و تقسیم آن بین فقرا)، تعاون و همکاری (کمک دسته جمعی به کسی که درو محصولش عقب افتاده) این همه را می‌توان خصوصیات فرهنگی جامعه‌ای نامید که تعالی طلب و کمال خواه است.

یادآوری، بازشناسی و به کارگیری نقاط قوت فرهنگ عامه می‌تواند نویدبخش تحول نوین در نگاه دولتمردان و کسانی باشد که در راستای توسعه و پیشرفت جامعه گام می‌نهند، توجه دولتمردانی که وارث فرهنگی به جامانده از دو تمدن غنی و فاخر ایرانی و اسلامی هستند، می‌تواند به پیشرفت امور و برنامه‌ریزی‌ها یاری رساند.



فهرست منابع

- ۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵) امثال و حکم، تهران: انتشارات سپهر، چ ۱۳.
- ۲- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۱) گذری و نظری در فرهنگ مردم، تهران: اسپرک.
- ۳- هدایت، صادق (۱۳۸۳) فرهنگ عامیانه مردم ایران، گردآورنده جهانگیر صداقت، تهران: نشر چشمه، چ ۵.
- ۴- پانوت ویرین، میشل (۱۳۶۹) فرهنگ مردم شناسی، ترجمه دکتر اصغر عسکری خانقاه، تهران: سرویس.
- ۵- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵) تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر، تهران: نشر نی، ویراست دوم.
گزارش های فرهنگیاران واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما:
 - ۱- عقلاریان، محمد، خراسان (طبس) ۱۳۴۷
 - ۲- آزاد، بتول، خراسان (نیشابور) ۱۳۵۷
 - ۳- بازوبند، علی اکبر، خراسان (نیشابور) ۱۳۵۲
 - ۴- آعسگری، اسد، کردستان (قروه) ۱۳۴۸
 - ۵- فروغی فارسانی، عزت اله، مرکزی، ۱۳۵۴
 - ۶- فشندی، ساعده، مرکزی، ۱۳۵۲
 - ۷- احمدجو، امرالله، اصفهان، ۱۳۴۹
 - ۸- همتی، الله بخش، اصفهان، ۱۳۵۶
 - ۹- زرین کلاه، بهرام، فارس، ۱۳۵۵
 - ۱۰- بهرامی، محمدعلی، فارس (آباده) ۱۳۵۰
 - ۱۱- لولیایی، یداله، فارس (آباده) ۱۳۵۰
 - ۱۲- زرین کلاه، بهرام، فارس (اقلید) ۱۳۵۵
 - ۱۳- اسدی، نعمت، گیلان، ۱۳۴۸
 - ۱۴- قائدی، محمد و منصور، اصفهان، ۱۳۵۲

۱۵- براتی، سرفراز، فارس، ۱۳۵۴

۱۶- وحیدیان، بندر، خوزستان، ۱۳۵۴

۱۷- مظلومزاده، مهدی، فارس، ۱۳۶۶

۱۸- شیری، حمداله، فارس، ۱۳۴۶

۱۹- درویشی، واسوندی، خوزستان، ۱۳۵۶

۲۰- روامندی، نصراله، خوزستان، ۱۳۵۰

سایت‌های اینترنتی:

۱- حق جو، ی. «مطلبی کوتاه درباره پیر کشت و زراعت در بین ترکمن‌ها»، سایت

یاپراق:

<http://www.yaprakpress.com/htm/pars/farhang/keshtozar.htm>

۲- کشاورزینیا، نوشین - «مروری بر قصه‌های مشدی گلین»، ۸۶/۴/۱۲، سایت آفتاب

در:

<http://www.aftab.ir/articles/art-culture/literatore>

۳- بی‌نام - «ترانه‌های عامیانه»، ۸۶/۱۰/۱۱، سایت آفتاب در:

<http://www.aftab.ir/articles/art-culture/music>

۴- قوجق، یوسف، «ضرورت‌های توجه به فرهنگ شفاهی و ادبیات عامیانه»، سایت

یاپراق در:

<http://www.yaprakpress.com/htm/pars/archiw/23-26>

۵- بی‌نام، کردستان سرزمین هزار ترانه، ۸۶/۱/۸، سایت آفتاب در:

<http://www.aftab.ir/articles/art-culture/music>

پرتال جامع علوم انسانی